

توهین به مقدسات از نظر فقه مذاهب اسلامی و منشور بین‌المللی حقوق بشر

محمود پوربافرانی^۱، حامد رستمی نجف آبادی^۲، میثم محمدی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۸)

چکیده

توهین به مقدسات ادیان و مذاهب در پوشش آزادی بیان، تهدیدکننده صلح و امنیت جهان است و بنا بر برخی اسناد منشور بین‌المللی حقوق بشر منع شده و مصداق نقض حقوق بشر است؛ اما در غرب دچار سیاست دوگانه است. فرانسه که خود را مهد آزادی و حقوق بشر می‌داند در موضوعات یکسان، مواضع مختلف دارد. احترام به مقدسات و حفظ حرمتها، باعث بسط ارتباطات و تحکیم همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و مذاهب مختلف است. اسلام اهانت به مقدسات خویش را نکوهیده و بر عدم اهانت به مقدسات دیگران نیز تأکید دارد. التزام عملی به اعلامیه و میثاق‌نامه‌های حقوق بشر در جهان -خاصه که در دانمارک، فرانسه و... با هدف ایجاد تفرقه دینی و مذهبی نسبت به ساحت قدسی پیامبر اسلام ﷺ اهانت می‌شود- و رفع خلأهای قانونی این جرم در کشور، بیش از هر زمان ضروری می‌نماید. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، در صدد بررسی توهین به مقدسات با توجه به فقه مذاهب اسلامی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. توهین به مقدسات از نظر مذاهب اسلامی و نظام حقوقی ایران موجب مجازات و در اسناد حقوق بشری نیز منع شده است.

-
۱. دکترای فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) / pbaferani@ut.ac.ir
 ۲. استادیار گروه فقه و حقوق امامیه دانشگاه مذاهب اسلامی / h.rostami1365@gmail.com
 ۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی / meysam.m1370@gmail.com

کلیدواژه‌ها: سبّ، مقدسات، فقه امامیه، فقه اهل سنت، قانون مجازات اسلامی، حقوق

بشر.

طرح مسئله

فلسفه وضع قوانین، حفظ جان، مال، حیثیت و امثال آن است که از آن به «امنیت» تعبیر می‌شود. در واقع امنیت اصطلاحی فراگیر برای تضمین حقوق انسانها و جوامع نسبت به یکدیگر است. اگر انسانها صاحب چنین حقی نبودند، وضع قوانین بیهوده بود. تعرض به جمع مانند تعرض به فرد مذموم، قبیح و حتی قباح آن را بیشتر، جرم آن را سنگین تر و کیفر آن را سخت تر می‌دانند. سبّ انبیاء و بزرگان دین در حقوق کیفری اسلام جرم است. در آموزه‌های دین بر حفظ حرمت انسان به عنوان یک اصل تأکید شده و نه تنها جسم و جان، بلکه حیثیت او نیز مورد حمایت کیفری است. این از یک حکم کلی، یعنی تأکید اسلام بر زندگی مسالمت‌آمیز و مبتنی بر احترام متقابل با دیگران و مخالفت با توهین و دشنام به دیگران حکایت دارد. هیچ‌کس نباید به بهانه آزادی به افراد دشنام و ناسزا دهد (مؤمنی، ۱۳۹۷ش، ۲۵۵-۲۵۳). براساس بند ۳ ماده ۱۹ میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل نیز «نمی‌توان به بهانه و پوشش آزادی بیان، نفرت‌پراکنی قومی و نژادی و مذهبی انجام داد.» جریانهای صهیونیستی و مکاتب نوظهور فکری که نتوانسته‌اند با تلاش و تبلیغات چندین‌ساله راهی در دلها بیابند با دستاویزهایی مانند: آزادی بیان و با نشانه‌گرفتن باورها و توهین به مقدسات و محترقات ادیان و مذاهب و... در صدد تفرقه‌افکنی‌اند و یک روز در دانمارک و روز دیگر در فرانسه و... به مقدسات مسلمانان توهین می‌شود.

در نظام حقوقی اسلام، توهین به اشخاص، در قالب قذف، موجب حد و در غیر آن موجب تعزیر است. اگر شخصی که مورد توهین قرار گرفته از جایگاه والای سیاسی یا مذهبی برخوردار باشد، مجازات توهین‌کننده بیشتر از مجازات توهین به اشخاص عادی است. بنا بر عبارتی مبهم در ماده ۵۱۳ ق.م.ا. ۱۳۷۵ش، اهانت به انبیاء عظام و... اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد مجازاتش اعدام بود و توهین به دیگر مقدسات نیز در قانون پیش‌بینی شده بود؛ اما در ق.م.ا. ۱۳۹۲ش تنها سبّ و قذف پیامبر، انبیاء و معصومین علیهم‌السلام در جرایم موجب حد بیان و دو ماده و دو تبصره به این موضوع اختصاص یافته است. اگرچه در این زمینه، کیفر توهین و دشنام به اشخاص و هم‌چنین مجازات سب‌النبی از دیدگاه فقهی و حقوق ایران

و افغانستان قبلاً مقاله نگاشته شده؛ که صبغه حقوقی کار نیز غلبه دارد؛ ولی از دیدگاه صرفاً فقه مذاهب اسلامی و موضوع توهین به مقدسات، به تفکیک و تفصیل و مقارنه و تطبیق با منشور و اسناد بین‌المللی حقوق بشر کاری انجام نشده و از این حیث مقاله دارای نوآوری و وجه تمایز است. با توجه به وجود ابهامات قانونی و اختلافات فقهی، ساده‌انگاری جرم توسط مرتکبین، عدم امکان صدور حکم توسط قاضی و... و اهمیت حفظ حرمت بزرگان دین و مذاهب اسلامی و افزایش ارتکاب جرم مذکور در سالهای اخیر و نبود سازوکارهای روشن برای مواجهه با آن و مغفول واقع شدن بحث، پژوهش در صدد بررسی جرم سبّ با توجه به فقه امامیه، عامه و برخی قوانین و اسناد حقوق بشری است.

مفاهیم تحقیق

۱. سبّ

سبّ به معنای شتم، دشنام دادن و ناسزاگفتن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱/۴۵۶؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ۱/۱۴۴). اصل کلمه سبّ به معنای قطع کردن است و سپس معنای دشنام به خود گرفته؛ زیرا به معنای ازبین بردن آبروست. هرچه اقتضای نقص و عیب داشته باشد نیز سبّ دانسته شده است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۱۳/۱۷۱).

استعمال واژه سبّ و مشتقات آن در کلام فقها - بدون تعریف و بیان ضابطه تشخیص آن - شاید بدین سبب بوده که معنای آن در عرف مشخص است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ۲/۴۲۴). برخی از نویسندگان اهل سنت، سبّ را تنقیص شخصیت و بی‌ارزش جلوه‌دادن دانسته‌اند که با دشنام‌دادن، لعن، تقبیح و... به علت اختلاف عقیده ایجاد می‌شود (وهیبی، ۱۴۲۸ق، ۴۶).

در ماده ۲۶۲ ق.م.ا ۱۳۹۲ش به پیروی از فقه آمده است: «هر کس پیامبر اعظم ﷺ و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند ساب‌النبی است و به اعدام محکوم خواهد شد.»

۲. اهانت

اهانت یکی از موارد سبّ است. اهانت یا توهین، واژه‌ای عربی از ریشه «وهن» به معنای «خوارشردن، خفیف‌کردن، مسخره‌کردن، سبک‌شمردن و سست‌کردن» (دهخدا، ۱۳۷۲ش، ۳/۶۲۷۸) و خوارداشتن و خوارگرفتن و خوار و کوچک کردن (معین، ۱۳۶۳ش، ۱/۴۰۸)

است. معنای حقوقی این واژه نیز با معنای لغوی آن سازگاری دارد. واژه‌های توهین، اهانت، فحاشی، الفاظ رکبیک و دشنام همگی از مصادیق توهین و اهانت است (آقایی نیا، ۱۳۹۴ ش، ۲۳-۲۲).

اهانت «نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دروغ یا راست است به هر وسیله‌ای که باشد یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف و عادت موجب کسر شأن یا باعث تخفیف و پست شدن طرف شود» (پاد، ۱۳۵۲ ش، ۱/۳۷۳) و اصطلاحاً به سست گردانیدن و تحقیر وجود معنوی و حیثیت مجنی علیه گفته می‌شود و در اینجا به معنای آن است که شخصیتها یا اشیا یا اعتقادات مورد احترام در دین اسلام تحقیر شوند.

در استفساریه مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۵ در روزنامه رسمی چاپ شد آمده است: «از نظر مقررات کیفری، اهانت و توهین عبارت است از به‌کاربردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال یا انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی در موقعیت اشخاص که موجب تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ، توهین تلقی نمی‌شود.»

ضابطه تشخیص اهانت با توجه به عرف در هر زمان و مکانی متفاوت است و دادگاه رفتار مرتکب را جرم‌انگاری می‌کند. از معمولی‌ترین مصادیق اهانت به مقدسات: فحاشی، اسناد اعمال خلاف عفت و اخلاق حسنه، انکار رسالت انبیاء عظام خواه شفاهی یا کتبی، تخریب مقابر متبرکه به قصد توهین به شخص متوفی و مدفون که تماماً به صورت فعل مثبت مادی است؛ ولی توهین با ترک فعل نیز ممکن است انجام شود، مانند ترک ادب عمومی به قصد اهانت به مقدسات مذهبی در جایی که لازم‌الرعايه است (گلدوزیان، ۱۳۸۸ ش، ۶۱۲). برخی هم معتقدند: توهین با ترک فعل به سبب عدم امکان سوءنیت ثابت نمی‌شود، مانند خودداری از فرستادن صلوات (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲ ش، ۴۴۷).

۳. هجو و توهین

هجو در لغت به معنی برشمردن عیب دیگری، توهین، شتم، دشنام و اهانت به فرد است (حسینی زبیدی، بی تا، ۲۰/۲۲۷). هجو به معنای ذکر معایب با شعر است (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ۲۲/۶۰). هجو مؤمنان حرام است، ولی در جواز هجو، سب و لعن مشرکان اختلافی نیست؛ زیرا پیامبر ﷺ به یکی از یارانش فرمود که مشرکان را هجو کند (همان، ۲۲/۶۱). در هجو،

به نظم یا نثر، فرد یا افرادی مورد تهاجم و توهین قرار می‌گیرند. اهانت در قالب هجو خطرناک‌تر است؛ زیرا تفکر برای سرودن شعر زمانی را می‌طلبد که حاکی از شرارت مرتکب و سوءنیت وی برای ارتکاب جرم است، بر خلاف کسی که در برانگیختگی به دیگری توهین کند. هر هجوی توهین است و اما هر توهینی، هجو نیست (اشرف، ۱۳۸۸ش، ۵۵). مطابق ماده ۷۰۰ ق.م.ا (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده): «هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند یا هجویه را منتشر کند به حبس از یک تا سه ماه محکوم می‌شود.»

۴. دشنام

دشنام از مصادیق توهین و نام یا نسبت زشتی است که هنگام ناراحتی و تنفر از کسی به او داده می‌شود؛ کلماتی که مفاد آنها هتک و اهانت دیگری است مصداق دشنام یا سبّ به‌شمار می‌روند، مانند قذف و کسی را با لقب زشت خواندن، از قبیل فاسق، پست، نجس، سگ و خوک.

خداوند در آیاتی از قرآن از جمله آیه ۱۰۸ سوره انعام با فعل نهی «لاتسبوا...» به صراحت از دشنام‌دادن نهی کرده است. از جمله آثار دشنام، مصداق ظلم و ظالم‌بودن، مصداق کفرشدن و محرومیت از یاری خداست و ایجاد دشمنی میان افراد جامعه و سستی انسجام و پیوند اجتماعی از آثار زیان‌بار اجتماعی آن است (ر.ک: بقره، ۱۰۴؛ انعام، ۱۰۸؛ حجرات، ۱۱؛ مؤمنون، ۶۷-۶۴).

۵. قذف

قذف در لغت به معنی رمی یعنی افکندن، انداختن و پرتاب‌کردن است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ۱۴۴/۴). قذف، یکی از جرایم حدی^۴ و در فقه عبارت است از نسبت‌دادن زنا یا لواط به دیگری، زیرا دشنام‌دهنده با پرتاب‌کردن کلمه دشنام، حیثیت دشنام‌داده‌شده را هدف می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۱/۴۰۲).

توهین و قذف از جرایم علیه حیثیت و شرافت معنوی هستند. هر دو جنبه خصوصی دارند و تعقیب و مجازات منوط به درخواست شاکی است؛ جرم توهین، تعزیری و قذف از

۴. توهینهای حدی در فقه اسلامی را در دو عنوان «قذف» و «سب‌النبی» می‌توان یافت.

جرایم حدی است. تظاهر در جرم قذف موجب سقوط مجازات است؛ قذف طرفین موجب سقوط حد در قذف است؛ اما در توهین این چنین نیست.

۶. هتک حرمت

هتک در لغت به معنی شکستن و پاره کردن، (جوهری، ۱۴۱۰ق، ۴/۱۶۱۶؛ حسینی زبیدی، بی تا، ۶۶۹/۱۳). هم چنین به معنی تجاوز به اشخاص و اموال و اعراض آنان و جریحه دار کردن افکار عمومی است و متجاوز، مشمول کیفر مقرر در قانون می شود. هتک حرمت اعم از افترا و توهین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲ش، ۷۶۱) و در اصطلاح عبارت است از: بی حرمتی به ساحت مقدس خداوند، انبیاء، معصومین علیهم السلام، مؤمنین و مقدسات مانند کعبه، قرآن و... است اعم از هرگونه گفتار، کردار و رفتاری که نتیجه آن، هتک حریم آنان باشد (توکلی مقدم، ۱۳۹۲-۱۳۹۱ش، ۱۵۳). در منابع فقهی مصادیق هتک حرمت در کتاب حدود (دفاع از جان، مال و حریم) آمده است.

فقه‌های اهل سنت در تعریف و تبیین توهین و سب و لعن و هجو و تعریض، تفاوت چندانی در رویکرد ندارند و اختلافات، بیشتر در نحوه بیان و مصادیق است و گرنه هم در فقه اهل سنت و هم در فقه امامیه، این واژگان به یک صورت تعریف و استفاده شده‌اند (ابراهیمیان، ۱۳۹۸ش، ۲۵۰).

۷. مقدسات اسلام

مقدسات جمع مُقَدَّس و در لغت به معنای: پاک، پاکیزه، منزّه، پاک کرده، پاکیزه شده، به پاکی یادشده، و به پاکی خوانده شده «آمده است و مقدس یعنی: شایسته پرستش و احترام، دارای کیفیت آسمانی و بسیار باارزش و گرامی چنان که گفته شد در کتب لغت تنها کلمه مقدس معنا شده است و تعریفی از مقدسات نیست. در کتب فقه و قوانین نیز مقدسات تعریف نشده و فقط برخی از مصادیق آن ذکر شده است. به نظر می رسد می توان گفت: امور دینی و مذهبی که مورد احترام و تقدیس قرار گیرد مقدسات آن دین یا مذهب است.

مقدسات اسلام آن است که مورد احترام جامعه اسلامی است از جمله: ذات باری تعالی، قرآن کریم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ائمه معصومین علیهم السلام و سایر مقدسات دینی اسلام، مکانها و زمانهای مقدس، ولی فقیه، مراجع عظام، مؤمنان و به طور کلی تمامی اشخاصی که از هرگونه ناپاکی،

منزه بوده و رعایت حرمت آنها ضرورت دارد. بسیاری از فقهای شیعه در توهین به مقدسات، حضرت زهرا سلام‌الله را نیز ملحق به سایر معصومین علیهم‌السلام دانسته‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۴/۱۳).

در یک ضابطه کلی می‌توان گفت هر آنچه از دیدگاه اسلام در شمار مسائل ضروری و قطعی قرار گیرد توهین به آن، جرم است؛ مانند: توهین به قرآن، مسجد الحرام، کعبه و سایر شعائر الهی و مقدسات اسلام (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۰/۱۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰ق، ۲۴۹/۵ و ۲۵۵).

اهانت به مقدسات اسلام

اهانت به مقدسات بنا بر قانون جرم است. در جرم اهانت به مقدسات اسلامی باید قصد تحقیر وجود داشته باشد و نقد و بررسی آنها اهانت نیست. فقهای اهل سنت، سب‌کننده پیامبر را کافر و مرتد می‌دانند؛ اما سب صحابه و ائمه علیهم‌السلام را مستوجب تعزیر دانسته‌اند. بنابر اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» طبق ظاهر روایات، مجازات سب‌کننده منوط به حکم دادگاه نیست و شونده سب، می‌تواند به صورت مستقیم اقدام کند؛ اما اگر شخصی به خاطر سب، مهدورالدم باشد و کشته شود قاتل باید مهدورالدم‌بودن را در دادگاه ثابت کند (زراعت، ۱۳۸۱ش، ۷۵).

مستندات جرم اهانت به مقدسات

در حقوق اسلامی ادله‌ای برای جرم‌انگاری وجود دارد که حاکی از توجه ویژه شارع به این جرم است.

الف) کتاب: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا: خدا دوست ندارد کسی به گفتار زشت به عیب خلق، صدا بلند کند؛ مگر آنکه ظلمی به او رسیده باشد همانا که خدا شنوا و داناست» (نساء، ۱۴۸). «سوء من القول» به معنای هر سخنی است که درباره کسی گفته شود ناراحت شود، مثل نفرین و فحش، چه فحشی که مشتمل بر عیب و بدیها باشد و چه فحشی که در آن بدی به دروغ به کسی نسبت داده شود. نمی‌تواند هرچه خواست بگوید و تنها می‌تواند صفات بدی از او را به زبان بیاورد که با ظلم او ارتباط دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۹۲).

ب) سنت: در منابع معتبر روایاتی بر حرمت و تقبیح توهین به مقدسات، هتک حرمت، هجو و سایر عناوین مشابه وجود دارد. از امام صادق علیه السلام در مورد دشنام و اهانت به رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد؛ فرمود: «هر کس دسترسی‌اش به او آسان‌تر است می‌تواند بدون مراجعه به حاکم او را بکشد» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ۲۵۹/۷؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ۱۰/۱۴۱).

ج) اجماع: از دیگر ادله مطرح در حرمت اهانت، اجماع بر هتک حرمت و توهین به مقدسات و ترک شعائر است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ۲۹۴/۵). کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را دشنام دهد بر شنونده‌اش جایز، بلکه واجب است که او را بکشد، بدون اختلاف؛ بلکه بر این رأی اجماع نیز وجود دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۱/۴۳۲).

د) عقل: عقل نیز به قبح اهانت به آن چیزهایی که محترم هستند حکم می‌کند. اگر مکلف به آنچه نزد مولی محترم شمرده شده اهانت کند، عقل به استحقاق عذاب او حکم می‌کند و از طریق قاعده ملازمه نیز حکم قبح این عمل کشف می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ۲۹۶/۵).

قانونی‌بودن جرم و مجازات سب

در ماده ۱۲ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ش آمده است: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.»

اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات یکی از مهمترین و مترقی‌ترین اصول حقوق جزاست (بکاریا، ۱۳۸۹ش، ۳۴). قانونی‌بودن جرم بدین معناست که: «هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست مگر به موجب قانونی که پیش از وقوع، آن عمل جرم شناخته شده است» (صانعی، ۱۳۷۲ش، ۱/۲۹۷).

در مباحث فقهی، اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات سب نیز، در عمل به بسیاری از روایات و احادیثی که به بیان جرم و مجازات سب پرداخته‌اند از چنان پیوستگی برخوردارند که تفکیک میان این منابع علاوه بر آنکه امری دشوار است، از آن جهت که در بیان مقصود وافی و صریح است زاید به نظر می‌رسد.

سبّ نبی

لزوم مجازات کسی که به پاکترین و مهربان‌ترین و دلسوزترین مصلح تاریخ، که تمام هستی-اش وقف خدمت و ارشاد بشر شد اهانت کند از مسلمات فقه مذاهب اسلامی است. کسی که خاتم انبیاء ﷺ را با ناسزا و کلمات زشت مورد استهزا و اهانت قرار دهد سزایش مرگ است. قتل توهین‌کننده به پیامبر ﷺ مورد اتفاق علمای مذاهب خمسه است؛ فقط در خصوص کیفیت قتل شخص ساب که مسلمان باشد یا کافر یا ذمی، مرد باشد یا زن، اختلاف است.

۱. حکم سابّ در فقه اهل سنت

فقهای سنی و شیعه ساب‌النبی را مهدورالدم می‌دانند. همه فقهای فریقین، ساب‌النبی را مهدورالدم مطلق دانسته‌اند.

مالکیه گفته‌اند: هر کس پیامبر اسلام ﷺ یا یکی از انبیاء را سبّ کند یا متعرض مقامش شود کشته می‌شود و توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۲۹۵/۴). سابّ خدا و رسول ﷺ توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود و حدّاً کشته می‌شود؛ مالکیه با این قول موافق و شافعیه و حنفیه مخالفند (همان، ۳۰۱/۴).

مالک نیز گفته است: هر مسلمان (و یهود و نصاری) که خدا و پیامبر ﷺ را سبّ کند کشته می‌شود و توبه داده نمی‌شود و هم‌چنین کسی که پیامبر ﷺ را عیب‌جویی کند (حلی، بی‌تا، ۱۲).

ابوحنیفه و اصحاب او گفته‌اند: هرگاه مسلمان به پیامبر اسلام ﷺ دشنام دهد یا از او عیب‌جویی کند، مرتد است و اگر کافر ذمی باشد فقط تعزیر می‌شود (مؤمنی، ۱۳۹۷ش، ۲۵۵) و حنفیه گفته‌اند: هر کس که بغض رسول خدا ﷺ را در قلب خود داشته باشد، مرتد است. پس دشنام‌دادن به طریق اولی سبب ارتداد می‌شود؛ بنابراین حدّاً به قتل می‌رسد، توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود و تأثیری در ساقط‌کردن قتل ندارد (همان، ۲۵۸).

علمای شافعی مذهب معتقدند: سبّ پیامبر ﷺ موجب ارتداد است که به‌عنوان قطع رابطه با اسلام تعریف شده است. این قطع رابطه می‌تواند نیت یا سخن کفرآمیز و یا عمل سوء باشد و همه این موارد ممکن است از روی استهزا یا دشمنی یا عناد یا به لحاظ اعتقادی صورت گیرد. رافعی با برشمردن موجبات ارتداد گفته: ذمی اگر پیامبری از پیامبران را دشنام دهد یا تحقیر کند و از عهد و پیمان روی‌گردان شود کشته می‌شود (عبدالناصر، ۱۴۱۱ق، ۳۵۲).

در کتاب فتح الباری آمده است: ابوبکر فارسی که یکی از ائمه شافعی است در کتابش ادعای اجماع کرده و ابن منذور نیز گفته است: اتفاق است کسی که صریحاً سبّ پیامبر اکرم ﷺ کند، قتلش واجب است و خطایی گفته است که وقتی ساب النبی مسلمان باشد در حکم قتل وی، اختلافی نیست (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ق، ۲۳۶/۱۲).

در «شرح فتح القدر» آمده است: هر کس قلباً به پیامبر کینه و دشمنی ورزد مرتد است. پس توهین کننده به طریق اولی «مرتد» است و کشته می شود و توبه در رفع اعدامش مؤثر نیست. ابوحنیفه و اصحابش گویند: هر کس به پیامبر ﷺ دشنام دهد و یا از آن حضرت عیب جویی کند و مسلمان باشد مرتد است و اگر ذمّی باشد تعزیر می شود و کشته نمی شود (شریف مرتضی، ۱۹۷۱م، ۲۳۴) و هر کس قلباً به رسول خدا ﷺ بغض و کینه ورزد مرتد است و سب به طریق اولی موجب ارتداد و حدش قتل است و توبه اش برای اسقاط حد از او قبول نمی شود (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۶۴۷/۵).

در کتاب نصب الرایه است که: سبّ پیامبر ﷺ کفر و موجب قتل است (زینلی، ۱۳۶۹ق، ۳۴۱). ابن قدامه می گوید: «من سبّ الله او رسول ﷺ کفر و ارتد عن الاسلام...» در الروض المربع آمده: در دنیا توبه کسی که به خداوند و رسولش صراحتاً ناسزا بگوید قبول نمی شود بلکه به هر حال کشته می شود (بهوتی، بی تا، ۵۶۲). پس خلاصه اینکه فقهای اهل سنت دشنام دهند به پیامبر ﷺ را مرتد و کافر دانسته اند، با این تفاوت که برخی از آنان معتقدند اگر توبه کرد، توبه اش مانع قتلش می شود (مؤمنی، ۱۳۹۸ش، ۵۰).

در تمامی مذاهب اسلامی اهل سنت به صراحت از قتل دشنام دهندگان به انبیاء ﷺ به ویژه پیامبر اسلام ﷺ و دشنام به ملائکه و خداوند متعال و کتب آسمانی سخن رفته است. اگرچه با اندکی تأمل می توان دریافت که درباره پذیرش توبه دشنام دهنده، اختلاف وجود دارد؛ با وجود این در بیشتر مذاهب بر پذیرفته نشدن آن تأکید شده است.

۲. حکم سابّ از نظر فقهای امامیه

در فقه شیعه، سبّ، سبب مهدورالدم شدن سب کننده و به دنبال آن جواز و بلکه وجوب قتل وی بر مسلمین است. و گفته شده که سب کننده پیغمبر ﷺ کشته می شود. نجفی این حکم را اجماعی دانسته و می گوید: من مخالفی در این حکم نیافته ام، به علاوه نصوصی بر آن دلالت دارند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۳۲/۴۱). در واقع از نظر امامیه اگر کسی به پیامبر اسلام ﷺ دشنام

دهد یا از ایشان عیب‌جویی کند -مسلمان یا کافر ذمی- بی‌درنگ کشته می‌شود. به دلیل آنکه اگر دشنام‌دهنده مسلمان باشد، با دشنام -بدون شک- مرتد است و کشته می‌شود و اگر کافر ذمی باشد، اگرچه با دشنام مرتد نمی‌شود -زیرا ارتداد عبارت از کفر بعد از ایمان است و کافر ذمی مؤمن نیست مگر آنکه کافر شود- ولی از ذمی بودن خارج و از تعهدی که حافظ خون او بوده میرا شده است، لذا خونش مباح می‌شود (مؤمنی، ۱۳۹۷ش، ۲۵۷).

یکی از موارد معروف سب و توهین به مقدسات و ارزش‌های دین، نوشتن و انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی است. امام خمینی در دفاع از ارزشهای دینی، با فتوای تاریخی قتل سلمان رشدی مرتد، نویسنده کتاب مذکور، مسلمانان جهان را خطاب قرار می‌دهند. این فتوا تکلیف فقهی و ابعاد این ماجرای خطرناک را روشن ساخت و با تسری اجرای آن از مسلمانان به غیرمسلمانان -که اگر غیرمسلمان هم این کار را انجام دهد هرچه پاداش و جایزه این عمل بخواهد مسلمین مکلفند به او بیردازند- اهمیت بیش از پیش آن را نشان داد. حکمی که امام برای مؤلف کتاب صادر کرده‌اند شامل مترجمان آن به زبانهای دیگر هم می‌شود و اگر عمداً به ترجمه و نشر آن اقدام و سپس توبه کنند توبه آنها پذیرفته نمی‌شود. امام خمینی فرمودند: «حتی اگر سلمان رشدی زاهد زمان شود، حکم او تغییر نمی‌کند» (مؤمنی، ۱۳۹۷ش، ۲۵۹).

گفته شد که بسیاری از فقهای اهل سنت نیز کیفر سب انبیاء را قتل دانسته‌اند. فقها غالباً در کتاب ارتداد به بیان شرایط این جرم پرداخته‌اند. در «الانتصار» -از جمله کتبی که مفصل به سب‌النبی پرداخته - آمده است: «کسی که رسول خدا ﷺ را دشنام دهد، یا در صدد خراب کردن وی برآید، مسلمان باشد یا غیرمسلمان، باید در جا کشته شود. گروهی از فقها با آن مخالفت کردند. ابوحنیفه و یارانش گفته‌اند: غیرمسلمان را باید مجازات کرد و او را کشت» (شریف مرتضی، ۱۹۷۱م، ۲۳۵).

در قواعد الاحکام آمده است: «دشنام‌دهنده به پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه کشته می‌شود و این کار برای هر کسی که آن کلام را از او شنیده مباح می‌شود بدون هیچ تخفیف و کم و کاست و اگر از ضرر رسیدن به خودش یا برای گروهی از مسلمین در زمان کنونی و یا آینده بیمناک شود فی‌الحال نباید آن را انجام دهد» (حلی، بی‌تا، ۲۶۲).

مفید می‌گوید: هر کس به رسول خدا ﷺ یا یکی از ائمه ﷺ دشنام دهد از دین اسلام برگشته و خون او هدر است و امام، قتل او را برعهده دارد و اگر کسی غیر از امام از او

دشنام را شنید و به خاطر خدا بر فرد غضب کند و او را بکشد در این صورت قصاص و دیه بر چنین فردی نیست؛ زیرا دشنام‌دهنده خود، مستحق قتل بود ولی چون بر امام علیه السلام پیشی گرفته خطاکار و گناه‌کار است (مفید، ۱۴۱۳ق، ۷۴۳).

محقق حلی گفته است: تا زمانی که فرد از ضرر بر جان و مال خود یا دیگر مؤمنان خوف نداشته باشد قتل سب‌کننده برای کسی که می‌شنود جایز است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱۵۴/۴). نجفی نیز حکم سب‌کننده را قتل می‌داند؛ در صورتی که بر جان و مال او و دیگری از اهل ایمان، ضرری نداشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۱/۴۳۴-۴۳۲).

امام خمینی می‌نویسد: کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را سب کند بر شنونده آن واجب است که او را به قتل برساند مادامی که بر خود یا آبرو یا جان مؤمن یا حیثیت او نترسد؛ با وجود خوف، جایز نیست و اگر بر مال قابل توجه او یا بر مال قابل توجه برادر مسلمانش بترسد ترک قتل او جایز است و این متوقف بر اذن امام علیه السلام یا نائب او نیست و هم‌چنین است اگر بعضی از ائمه علیهم السلام را سب کند و در ملحق کردن صدیقه طاهره علیها السلام به آنان وجهی است، بلکه اگر سب او به سب نبی برگردد بدون اشکال به قتل می‌رسد (خمینی، ۱۴۰۹ق، ۲/۴۷۷-۴۷۶).

سب و توهین به مقدسات می‌تواند به صورت گفتار، نوشتار و... و در فضای واقعی یا مجازی انجام شود. جمع‌بندی ای که کیفر سب‌النبی از نظر بیشتر مذاهب اسلامی، قتل است؛ البته در فقه حنفی در این باره تشکیک شده است.

۳. حکم ساب در حقوق ایران

طبق احکام فقهی، هرگاه کسی خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و معصوم علیه السلام را سب کند بر شنونده‌اش واجب است او را به قتل برساند و این اقدام، متوقف به اذن امام علیه السلام یا نایب او نیست مگر آنکه خطر یا ضرر جانی، مالی یا حیثیتی داشته باشد. این امر در قوانین موضوعه نیز هست. بنا بر ماده ۳۰۲ ق.م.ا.ش ۱۳۹۲ می‌تواند مهدورالدم را به قتل برساند و اگر مهدورالدم بودن مقتول، اثبات شود نه قصاص می‌شود و نه دیه از او اخذ می‌شود. با تشکیل حکومت اسلامی و برای جلوگیری از هرج و مرج، رعایت اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی) و اثبات جرم افراد در دادگاه صالحه (اصل ۳۶ قانون اساسی)، دیگر نمی‌توان فرد مهدورالدم از جمله، ساب‌النبی را بدون اذن حاکم به قتل رساند و این در ق.م.ا.ش ۱۳۹۲ مسکوت است.

حکم مذکور در ماده ۲۶۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ش با عبارت «هر کس...»، شامل تمامی افراد اعم از ایرانی یا بیگانه، مسلمان یا غیرمسلمان می‌شود. طبق این ماده مجازات سب، اعدام است و هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و اهانت صدق کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است (ر.ک: مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲ش) لیکن مواردی که در ماده ۵۱۳ سابق مورد خدشه بود به جای رفع ابهام و خدشه در قانون جدید به کلی حذف شده‌اند و معلوم نیست در موارد ابهام در قانون مطبوعات و غیره به کدام قانون (به عنوان قانون مادر) باید رجوع شود؟

هم‌چنین در ماده ۲۶۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲ش ظاهر بر این است که صرف ادعا موجب عدم ثبوت جرم سب می‌شود و نیازی به اثبات و آوردن دلیل نبوده و دادگاه نیز الزامی به تحقیق ندارد که آیا ادعای وی صحت دارد یا نه. هم‌چنین در این حد نیز همانند سایر حدود، هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری در زمان ارتکاب جرم کند در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود ادعای او پذیرفته می‌شود (بخشی - زاده اهری، ۱۳۹۲ش، ۲۰۳).

در ماده ۲۶ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ش نیز آمده است: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

حکم سب سایر انبیاء

شافعیه گویند: کسی که رسول خدا ﷺ یا یکی از پیامبرانی که ذکر آنها در قرآن رفته را قذف یا سب کند یا رسول خدا ﷺ را در دعوتش تکذیب کند خدا کشته می‌شود و با توبه حد از او ساقط نمی‌شود (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۶۴۷/۵).

رافعی دشنام دادن یا تحقیرکردن پیامبری از پیامبران را موجب ارتداد می‌داند و در فقه المنهجی نیز آمده است: هر که به دین خدا، یا یکی از انبیاء توهین کند، مرتد است (علیان امینی، ۱۴۲۹ق، ۲۱۱).

ابن تیمیه بیان می‌دارد: حکم کسی که ناسزا به سایر پیامبران ﷺ بگوید، مانند حکم سب پیامبر ﷺ است. پس اگر شخصی، احدی از پیامبران مذکور در قرآن یا آنان که موصوف به

نبوت هستند با علم به اینکه پیامبر هستند را سبّ کند، حکم سبّ به پیامبر اکرم ﷺ را دارد. چون ایمان به آنان به صورت عموم واجب است و سبّ آنها کفر و ارتداد است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۱۰۴۸).

امامیه معتقدند: هرکس که رسول خدا ﷺ و یا یکی از امامان ﷺ از اهل بیتش یا بعضی از انبیاء را سبّ کند حکمش کشته شدن است (علیان امینی، ۱۴۲۹ق، ۲۰۳).

گلیایگانی ضمن بیان مطالب مندرج در مسالک، ریاض و ادعای اجماع در غنیه، که همه در ساب سایر انبیاء هستند و ذکر روایتی خلاف این قول می‌گوید: «غیر از پیامبر اکرم ﷺ سایر انبیاء را اگر کسی سبّ کند تازیانه می‌خورد. آنچه معلوم است عمل به قول اول است. الحاق سایر انبیاء به پیامبر اکرم ﷺ و اعتقاد به تازیانه متروک و به آن عمل نمی‌شود» (گلیایگانی، بی تا، ۲/۲۵۷).

سبّ ائمه و معصومین

فقیهان امامیه اتفاق نظر دارند که ساب المعصوم باید کشته شود و بسیاری از فقیهان اهل سنت نیز همین دیدگاه را دارند؛ اما گروهی از ایشان مجازات سب المعصوم را زندان و تعزیر می‌دانند (طبسی، ۱۳۷۴ش، ۱۶۷).

فقیهان در مورد سب معصوم یا سب پیامبری از پیامبران خدا اختلاف نظر دارند. گروهی گفته‌اند: چنین عملی، کفر نیست؛ گروهی آن را کفر دانسته‌اند و گروهی دیگر در این مورد توقف کرده‌اند. فقیهان امامی مذهب نیز قائل به توقف هستند (ابن حزم، بی تا، ۴۰۸/۱۱).

از نظر اهل سنت، سبّ و قذف ائمه ﷺ و حضرت زهرا ﷺ و افراد عادی یکسان است. فقهای مذاهب اربعه درباره توهین به ائمه ﷺ بحثی نکرده‌اند و غیر از سابّ خدا، پیامبر اکرم ﷺ، انبیاء ﷺ، ملائکه و قذف مادر پیامبر ﷺ قائل به قتل نسبت به دیگران مثل ساب الائمه نیستند و فقط به ذکر صحابه پرداخته‌اند که یکی از ایشان حضرت علی ﷺ است (هاشمی، ۱۳۸۴ش، ۵۸).

فقیهان اهل سنت عموماً جرم «سب المعصوم» را ذیل مبحث ارتداد مطرح کرده و سب- المعصوم را مرتد می‌دانند؛ اما در مورد اجرای احکام ارتداد نسبت به چنین جرمی اختلاف نظر دارند. نمری از فقهای مالکی می‌نویسد: هر کس باشد کشته می‌شود، بدون اینکه از او

درخواست توبه شود؛ اما گروهی از فقها چنین جرمی را ارتداد می‌دانند که در آن طلب توبه می‌شود پس اگر توبه کرد کشته نمی‌شود؛ اما اگر توبه نکرد کشته می‌شود و نظریه نخست مورد تأیید مذهب ماست. کافر ذمی اگر خدا و پیامبرش را سبّ کرد کشته می‌شود. یک دیدگاه آن است که هر کس پیامبر ﷺ را سبّ کند کشته می‌شود چه مسلمان باشد و چه نباشد - و هر دو نظریه را ابن عبدالحکم و دیگران به مالک نسبت داده‌اند - اما بهتر است بر کافر ذمی شرطی شود که در زمان قراردادش پیامبر ﷺ را به صورت آشکار نزد مسلمانان دشنام ندهد و اگر چنین تعهدی را نقض کند به خاطر نقض تعهد کشته می‌شود (نمری، ۲۰۰۱م، ۳/۳۴۳).

سبّ سایر مقدسات و صحابه

ابن قدامه از فقهای حنبلی گفته است: هر کس خدا را انکار کند شریک و صاحب و فرزند برای او قرار دهد یا خدا را تکذیب کند و یا او را دشنام دهد یا پیامبرش را تکذیب کند یا دشنام دهد یا پیامبری را انکار کند یا کتاب خدا یا مقداری از آن را انکار کند یا یکی از ارکان اسلام را انکار کند یا محرمات را حلال بداند مرتد است (ابن قدامه، بی تا، ۴/۶۰۵). هم‌چنین گفته شده است: اگر کسی یکی از صحابی پیامبر ﷺ را سب کند بنا بر نظر حاکم شرع تعزیر و حبس می‌شود (جزیری، ۱۴۱۹ق، ۵/۶۵۰).

برخی سب مادر پیامبر ﷺ و نزدیکان وی را اگر به سب نبی ملحق شود یعنی سب به پیامبر ﷺ باز گردد، مستوجب مرگ دانسته‌اند، چنان‌که شهید ثانی در «تحریر» گفته است: «حکم توهین به مادر و دختر نبی ﷺ مخصوصاً فاطمه ﷺ که نگاه‌داشتن حق قدر و ارزشش تصریح شده نیز چنین است و فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست» (علیان امینی، ۱۴۲۹ق، ۲۰۰).

سراج انصاری از فقهای شافعی، قذف پیامبر ﷺ را از مصادیق ارتداد دانسته و می‌گوید: ارتداد آن است که مسلمان مکلف با اختیار از طریق نسبت یا سخن کفرآمیز یا عملی از اسلام برگردد و عمل او از روی دشمنی و مسخره‌کردن یا اعتقاد باشد، مانند اینکه قرآنی را در نجاست اندازد یا پیامبری را قذف کند. به نظر می‌رسد که قذف پیامبر ﷺ جنبه حصری ندارد و از باب نمونه بیان شده است (سراج انصاری، ۲۰۰۱م، ۴/۶۰۵).

فقیهان اهل سنت، سبّ ائمه علیهم السلام و نیز پیامبرانی را که در نبوت آنان اختلاف است مستوجب تعزیر می‌دانند. ابن جزری کلبی فقیه مالکی مذهب، در این خصوص می‌نویسد: هر کس خدا یا پیامبر یا یکی از ملائکه را دشنام دهد چنانچه مسلمان باشد کشته می‌شود و فقیهان در این مسئله اتفاق نظر دارند؛ اما در اینکه درخواست توبه از او می‌شود یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد... هر کس پیامبری را که در نبوت او اختلاف است مانند ذوالقرنین یا فرشتگانی را که در ملک‌بودن آنان اختلاف نظر وجود دارد دشنام دهد کشته نمی‌شود، بلکه به شدت تأدیب می‌شود. هر کس به یکی از اصحاب پیامبر علیهم السلام یا همسران یا اهل بیت علیهم السلام او دشنام دهد کشته نمی‌شود؛ بلکه به شدت زده می‌شود و زدن او تکرار می‌شود و حبس او طولانی می‌شود (ابن جزری کلبی، ۲۰۰۱م، ۳/۳۹۷).

فقیهان اهل سنت، سبّ صحابی پیامبر علیهم السلام یا خلیفگان دیگر را مستوجب اعدام نمی‌دانند. نقل شده که مردی به ابوبکر توهین کرد و خواستند او را بکشند. منع کرد و گفت: این مجازات برای هیچ‌کس پس از رسول خدا علیهم السلام وجود ندارد (نسائی، ۱۴۱۴ق، ۷/۱۰۸). دیگری گوید: هیچ شکی نیست که فردی که کفر یا فسق را به بعضی یا تمام اصحاب نسبت دهد کافر است (وهیبی، ۱۴۲۸ق، ۴۷). محمد بن عبدالوهاب درباره کسانی که سبّ اصحاب را جایز دانسته‌اند می‌گوید: هر کس بعضی از اصحاب را که فضیلت و کمالات آنان به حد تواتر رسیده مانند خلفای راشدین، مستحق سبّ و دشنام بداند کافر می‌شود...» (همان، ۶۰-۶۱).

قذف مادر پیامبر اسلام علیهم السلام به اعتبار این که قذارت و نجاست جاهلیت او را آلوده نکرده حکم قذف پیامبر علیهم السلام را دارد. در لمعه آمده است: قاذف مادر پیامبر علیهم السلام مرتد است اگر ارتدادش فطری باشد؛ لیکن قاذف مادر پیامبر علیهم السلام توبه‌اش پذیرفته می‌شود اگر مرتد فطری نباشد، ولی قاذف پیامبر علیهم السلام و (ظاهراً) ساب امام، توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود و در حاشیه کرکی حکم قاذف مادر و دخت نبی و امام را نیز این‌گونه دانسته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۱/۴۳۸-۴۳۷).

فقهای امامیه همه صحابه را مورد احترام نمی‌شمارند؛ زیرا همه از جهت علمی و آگاهی به دستورات دینی در حدی نبوده‌اند که بتوانند اجتهاد کنند و بسیاری از اعمال ناشایستی که عده‌ای از صحابه مرتکب شده‌اند نه از روی اجتهاد، بلکه به جهت پیروی از هوای نفس بوده است. بسیاری از تخلفات عده‌ای از صحابه از این مورد است مانند عایشه که علی‌رغم نصّ

صریح قرآن و سنت، نماز را در سفر کامل و تمام می‌خواند و اهل سنت می‌گویند او اجتهاد کرده است (شرف‌الدین، ۱۳۹۶ ش، ۲۵).

حقوق بشر و توهین به مقدسات

اهانت به پیامبر اسلام ﷺ و توهین به مقدسات، نقض آشکار بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل، در تضاد با مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و موجب تهدید آزادی و سلب کرامت دیگران است. اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک سند بین‌المللی، تعهداتی قانونی برای دولتهای عضو جامعه بین‌الملل ایجاد کرده است. بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً توهین به مقدسات را ممنوع دانسته و می‌گوید: «نمی‌توان به بهانه و پوشش آزادی بیان، نفرت‌پرانی قومی و نژادی و مذهبی انجام داد.» بر اساس اسناد حقوق بین‌الملل هرگونه تحریک مذهبی، عمل غیرقانونی علیه اشخاص و گروهها به واسطه مذهب ممنوع است. حتی از نظر نظامهای قضایی غربی نیز از امری که تنشهای مذهبی و قومی را موجب می‌شود باید اجتناب کرد. چنانکه دادگاه اروپایی حقوق بشر در تأیید حکم یک دادگاه اتریشی اعلام می‌دارد توهین به پیامبر اکرم اسلام ﷺ در چارچوب حق برخورداری از آزادی بیان قرار نمی‌گیرد؛ این تصمیم دادگاه در واقع در تأیید حکم یکی از دادگاههای محلی در اتریش علیه یک زن ۴۷ ساله شهروند این کشور که به اتهام توهین به پیامبر اکرم ﷺ در سال ۲۰۰۹ به پرداخت ۴۸۰ دلار جریمه نقدی و هزینه‌های دادرسی محکوم شده بود، صادر شد. دادگاه محلی در اتریش تعادل دقیقی میان حق زن مذکور در آزادی بیان و حق دیگران در حفاظت از احساسات مذهبی خود یعنی محافظت از صلح مذهبی در اتریش برقرار کرد.

بند ۲ ماده ۲۰ نیز برای آزادی بیان محدودیتهایی را ذکر و آن را برای امور مهمی چون احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی لازم می‌داند و مقرر داشته است: هرگونه دعوت و ترغیب به کینه و تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که باعث تحریک و خشونت گردد به موجب قانون ممنوع است. بسیاری از کشورها در قوانین خود برای حمایت از حقوق مذهبی دیگران یا حفاظت از نظم و اخلاق عمومی، توهین (در امور دینی و مذهبی) را جرم دانسته‌اند.

شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام بشر و حقوق برابر آنان اساس امنیت، آزادی، عدالت و صلح در جهان است. از جمله اعمال و رفتارهایی که پایه‌های آزادی و عدالت را سست و صلح و امنیت جهانی را با تنشهای مذهبی و قومی، تهدید می‌کند توهین به مقدسات یک امت است. تضمین صلح و امنیت به عنوان آرمان مشترک بشر با اجرای کامل منشور بین المللی حقوق بشر^۵ در جهان میسر می‌شود. وظیفه سازمان ملل، ارتقاء حقوق بشر است. دولتهای عضو، متعهد شده‌اند که رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تضمین کنند. وقتی از حقوق بشر با حاکمیت قانون حمایت شود - نه اینکه به نام آزادی بیان عاری از اخلاقیات، باورها و امور قدسی عده‌ای مورد هتک و استهزا واقع شود - روابط دوستانه میان ملتها گسترش می‌یابد و عدالت حکم‌فرما و امنیت و صلح جهانی تأمین می‌شود. اغلب، تنشها و کشتار بی‌رحمانه انسانها محصول عدم اعتنا به همین حقوق بشر است. به باور همه مکاتب فکری و سیاسی، آزادی بیان، ذیل مفهوم آزادی و به نظم عمومی و اخلاق، محدود و مقید است. هتاک به مقدسات اسلام و حضرت محمد ﷺ که «عَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ وَ أَسْوَأَ حَسَنَةٍ» است بیانه‌های ضد آزادی بیان و نقض بدیهی حقوق بشر است. توهین به یک انسان عادی از نظر تمام ادیان ناپسند و مذموم است چه رسد به توهین به پیامبری که رسالت جهانی داشته و دین او کامل‌کننده دیگر ادیان الهی است. چگونه جریحه‌دار کردن احساسات و نادیده گرفتن آزادی بیش از یک میلیارد پیرو دینی الهی و یک جریان فکری قدرتمند جهانی با قول یا فعلی آزادی بیان است؟ توهین به پیامبر مکرم اسلام ﷺ و اعتقادات مسلمانان جهان نه آزادی بیان که مصداق مبرهن نقض حقوق بشر و نقض بند ۳ ماده ۱۹ میثاق‌نامه مذکور است. وقتی در مقدمه منشور ملل متحد به ایمان ملل متحد به حقوق اساسی بشر، حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و... تصریح شده و وقتی در اسناد بین‌المللی هرگونه تمایزی از لحاظ جنس، نژاد، زبان و مذهب ممنوع دانسته شده و وقتی برگزاری جشنواره‌های کاریکاتور با محتوای نقد رژیم صهیونیستی را مذموم و قابل پیگرد می‌دانند، چرا نه تنها با توهین به خاتم پیام‌آوران الهی برخورد نمی‌شود که مورد حمایت وقیحانه و بیخردانه نیز قرار می‌گیرد؟! متأسفانه حقوق بشر در غرب دارای سیاست و استاندارد دوگانه است. فرانسه که خود را مهد آزادی و حقوق بشر می‌داند در موضوعات

۵. منشور بین‌المللی حقوق بشر متشکل از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های الحاقی آن است.

یکسان، مواضع گوناگونی اتخاذ کرده است. دولت فرانسه در حالی از انتشار کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اکرم ﷺ حمایت می‌کند یا از اقدام سخیف یک معلم به عنوان آزادی بیان نام می‌برد که نمی‌تواند روسری دختران در مدارس را تحمل کند. این کشور نه تنها انکار هولوکاست را جرم می‌داند بلکه حتی اظهارنظر درباره این موضوع و بالاتر از آن حتی تحقیق در مورد آنکه حق ابتدایی هر پرسش‌گر و محقق است را ممنوع و برای آن مجازات تعیین می‌کند؛ ولی از توهین به مقدسات ادیان الهی به نام آزادی بیان دم می‌زند! این اقدامات مغایر با حقوق بشر است و اکنون ابزاری در دست برخی دولتهای غربی برای رسیدن به منافع نامشروعشان شده است. سازمانهای بین‌المللی باید برای احترام به همان حقوق بشر نوشته خودشان هم که شده تدبیر کنند تا این‌گونه اعمال و رفتارها پایان یابد. وحشت اینان از گسترش اسلام باعث شده است که آنها با حربه اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی مستقیماً به جنگ مسلمانان بیایند و با تبلیغ اسلام تحریف‌شده به جنگ اسلام واقعی و اسلام ناب محمدی بپردازند؛ حال آنکه با اراده خداوند، اسلام، قلب همه جهانیان را تسخیر خواهد کرد و توطئه‌ای که با دسیسه‌های صهیونیستی به قصد ایجاد تفرقه میان ادیان الهی و در برخی کشورهای به اصطلاح منادی دموکراسی - که اولین اصل حقوق بشر را که احترام به حقوق بشر است - لگدمال کرده‌اند ذره‌ای از عزت پیامبر اعظم - که خدا و ملائکه بر او درود می‌فرستند - نخواهد کاست.

نتیجه

توهین به مقدسات، در منشور بین‌المللی حقوق بشر، به بهانه آزادی بیان، که موجب ایجاد تنش قومی و نژادی و مذهبی و تهدید صلح جهانی است ممنوع است. از نظر برخی نظامهای قضایی غربی نیز از امری که موجب تشویش‌های مذهبی می‌شود باید اجتناب کرد. حقوق ایران، نیز اهانت به مقدسات دینی و مذهبی، انبیاء عظام، ائمه و صدیقه طاهره ﷺ را جرم می‌داند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش مجازات سبّ پیامبر ﷺ و معصومین ﷺ را بیان داشته، ولی دیگر مصادیق مقدسات، انواع و وسایل سبّ و... را ذکر نکرده است. هم‌چنین با توجه به ماده ۳۰۲ قانون مذکور و بنابر ظاهر روایات، مجازات سبّ‌کننده منوط به حکم دادگاه نیست و شنونده سبّ، می‌تواند مستقیماً اقدام کند؛ اما طبق قانون اساسی، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد؛ لیکن ق.م.ا. ۱۳۹۲ش در خصوص

اجرای حکم، ساکت است. ابهامات موجود، سبب ساده‌انگاری جرم و افزایش آن توسط مرتکبین و دشواری صدور حکم توسط محاکم قضایی شده است. به نظر می‌رسد عدم توجه به تعهد بین‌المللی احترام به حقوق بشر و حمایت مغرضانه و نابخردانه برخی با سیاست یک بام و دو هوا و به نام آزادی بیان از توهین‌کنندگان به مقدسات و خلأ قانونی عدم تبیین ماهیت، مجازات و اجرای مجازات این‌گونه جرایم سبب می‌شود شاهد وقوع جرم و عدم امکان تعقیب جزایی مجرمان باشیم. دولت فرانسه از انتشار کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اکرم ﷺ به نام آزادی بیان حمایت می‌کند و اما نمی‌تواند حجاب مذهبی در مدارس را تحمل کند. توهین به مقدسات مسلمانان، نقض حقوق بشر و میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی است. با احترام به باورها و مقدسات ادیان، مذاهب و اقوام و التزام به اجرای عملی منشور بین‌المللی حقوق بشر، استقرار آزادی و عدالت و صلح و امنیت پایدار در جهان ممکن می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیمیان، حجت‌الله؛ صدیقی، عبدالسیحان، «کیفر توهین و دشنام اشخاص از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان»، *مجله فقه مقارن*، شماره ۱۴، ۱۳۹۸ ش.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، *منهاج السنه النبویه*، بی‌جا، مؤسسه قرطبه، ۱۴۰۶ ق.
- ابن جزی کلبی، محمد بن احمد، *القوانین الفقهیه فی تلخیص مذهب المالکیه*، بیروت، دارالتراث، ۲۰۰۱ م.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *تهذیب التهذیب*، هند، مطبعة دائرة المعارف النظامیه، ۱۳۲۵ ق.
- ابن حزم، علی بن احمد، *المحلی بالآثار*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المعنی*، بیروت، دارالتراث، بی‌تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- اشرف، صدیقه، «جایگاه فقهی و حقوقی جرم اهانت به مقدسات اسلام»، *مجله فقه و تاریخ تمدن*، شماره ۱۹، ۱۳۸۸ ش.
- آقایی‌نیا، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی*، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
- بخشی‌زاده اهری، امین، *محشای قانون مجازات اسلامی از منظر دکترین و طراحان سؤال*، تهران، عصر اندیشه، ۱۳۹۲ ش.
- بکاریا، سزار، *رساله جرایم و مجازاتها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، میزان، ۱۳۸۹ ش.
- بهوتی، منصور بن یونس، *الروض المربع شرح زاد المستقنع*، بیروت، دارالجیل، بی‌تا.
- یاد، ابراهیم، *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ ش.
- توکلی مقدم، ابراهیم، «بررسی فقهی هتک معصومین»، *مجله فقه و اصول (تا اجتهاد)*، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲ ش.
- جزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ یاسر، مازح، *الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت*، بیروت، دارالتقلین، ۱۴۱۹ ق.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
- حسینی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، مکتبه الحیاة، بی‌تا.
- حلی، حسن بن یوسف، *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- خمینی، سید روح‌الله، *تحریر الوسیله*، قم، دارالعلم، ۱۴۰۹ ق.

- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.
- زراعت، عباس، «بررسی فقهی و حقوقی جرم سب النبی»، مجله دانشکده الهیات دانشگاه مشهد، شماره ۵۷، ۱۳۸۱ش.
- زینلی، جمال‌الدین، نصب الرایه لاحادیث الهدایه، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۹ق.
- سراج انصاری، عمر بن علی، التذکره فی الفقه الشافعی، بیروت، دارالتراث، ۲۰۰۱م.
- شرف‌الدین، سید عبدالحسین، اجتهاد در برابر نص، ترجمه علی دوانی، بی‌جا، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۹۶ش.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، الإنتصار فی انفرادات الإمامیه، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۹۷۱م.
- صانعی، پرویز، حقوق کیفری عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- طبسی، نجم‌الدین، موارد السجن فی النصوص و الفتاوی، قم، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- عبدالناصر، جمال، موسوعه فی الفقه الإسلامی، قاهره، مجلس الاعلی للثئون الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- علیان امینی، حسین، موسوعه احکام المرتد فی الشریعه الإسلامیه، بی‌جا، مرکز العلوم و الثقافه الإسلامیه، ۱۴۲۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت، دارالصعب؛ دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
- گلپایگانی، سید محمدرضا، الدر المنضود، قم، چاپخانه علمیه، بی‌تا.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ش.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- مفید، محمد بن محمد، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید، ۱۴۲۷ق.
- موسوی بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیة، قم، الهادی، ۱۳۷۷ش.
- همو، القواعد الفقهیة، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
- مؤمنی، عابدین، حقوق جزای اختصاصی اسلام، تهران، سمت، ۱۳۹۷ش.

- مؤمني، عابدين؛ صديقي، عبدالسيحان، «مجازات سب النبي از ديده گاه مذاهب اسلامي و حقوق ايران و افغانستان»، *مجله مطالعات تقريبي مذاهب اسلامي*، شماره ۵۱، ۱۳۹۸ ش.
- مير محمد صادقي، حسين، *حقوق کيفري اختصاصي (جرايم عليه امنيت و آسايش عمومي)*، تهران، ميزان، ۱۳۹۲ ش.
- نجفي، محمد حسن، *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۴ ق.
- نسائي، احمد بن شعيب، *سنن النسائي*، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۱۴ ق.
- نمری، يوسف بن عبدالله، *الكافي في فقه اهل المدينة*، بيروت، دار التراث، ۲۰۰۱ م.
- وهبي، محمد بن عبدالله، *ديده گاه اهل سنت در مورد اصحاب*، ترجمه اسحاق بن عبدالله دبيري، رياض، وزارت شؤون اسلامي و اوقاف و دعوت و ارشاد، ۱۴۲۸ ق.
- هاشمي، سيد حسين، *ارتداد و آزادي*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي، ۱۳۸۴ ش.